



## اسلام و رای نژاد

پدیدآورنده (ها) : علوی مقدم، مهیار؛ عظیمایی، عبدالله

علوم قرآن و حدیث :: نشریه مشکوة :: بهار و تابستان ۱۳۶۷ - شماره ۱۸ و ۱۹ (ISC)

صفحات : از ۱۴۴ تا ۱۶۰

آدرس ثابت : <https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/58608>

تاریخ داندود : ۱۴۰۵/۰۱/۲۰

**کاربر گرامی، فایل داندود شده فقط برای استفاده شخصی است، از نشر آن خودداری فرمایید.**

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) جهت ارائه مجلات عرضه شده در پایگاه، مجوز لازم را از صاحبان مجلات، دریافت نموده است، بر این اساس همه حقوق مادی برآمده از ورود اطلاعات مقالات، مجلات و تألیفات موجود در پایگاه، متعلق به "مرکز نور" می باشد. بنابر این، هرگونه نشر و عرضه مقالات در قالب نوشتار و تصویر به صورت کاغذی و مانند آن، یا به صورت دیجیتالی که حاصل و بر گرفته از این پایگاه باشد، نیازمند کسب مجوز لازم، از صاحبان مجلات و مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) می باشد و تخلف از آن موجب پیگرد قانونی است. به منظور کسب اطلاعات بیشتر به صفحه **قوانین و مقررات** استفاده از پایگاه مجلات تخصصی نور مراجعه فرمائید.



## عناوین مشابه

- اسلام و مسئله تحسین نژاد
- حدود حکومت مردم بر مردم: مبانی حاکمیت سیاسی در اسلام و الزامات رای اکثریت از منظر شهید آوینی
- سید خون و مداد (زندگی مبارزاتی شهید هاشمی نژاد از همان اوان جوانی، هنگامی که با مبانی اسلام آشنایی پیدا کرد، آغاز شد.)
- ایران و اسلام (۵۸): خطر نژاد پرستی
- انتقاد و انتقادپذیری از نگاه اسلام
- راهکارهای راهنمایی و مشاوره از منظر اسلام و روان شناسی
- جزر و مد اسلام
- ساماندهی و اداره کتابخانه ها در جهان اسلام
- جایگاه اعراب و ایرانیان در دایره جهان اسلام
- معرفی و نقد کتب: اسلام و دموکراسی

# اسلام و رای نژاد

## مقدمه

در مقاله ای که از نظر خوانندگان عزیز می گذرد، کوشش نویسنده بر این بوده که به مسأله نژادپرستی به عنوان یک معضل اجتماعی پرداخته و آن را آفتی در جهان معاصر معرفی کند. در ابتداء بینش اسلام در مقابل نژادپرستی مطرح شده و نافرمانی شیطان در برابر فرمان الهی به عنوان سرآغاز نژادگرایی و برتری جویی قلمداد شده است. سپس به وجود عقاید نژادپرستی و ملت گرایی در بعضی مذاهب بویژه دین یهود اشاره شده و در انتها، دیدگاه اسلام درباره این عفریت پلید از زبان مسلمان سیاه آمریکایی «مالکوم ایکس» بیان گشته است. نویسنده به این نکته توجه کامل مبذول داشته که نژادپرستی در دین یهود بدین مفهوم نیست که از ابتدای رسالت حضرت موسی (ع) این چنین بینشی در این دین وجود داشته، بلکه آن ساخته و پرداخته حاکمان زورگوی متمسک به یهودیت، بویژه در دو قرن اخیر بوده است. اگر در مواردی محدود و اندک، نژادپرستی در میان جوامع اسلامی به چشم می خورد، در حقیقت از طرز برخورد حاکمان و خلفای دورانهای همچون اموی و عباسی سرچشمه گرفته است.

این نوشتار از آن جهت خواندنی به نظر می رسد که با مسأله نژادپرستی و رای آنچه که تا به امروز مطرح گشته برخورد کرده است، آن گونه که اسلام به آن معتقد است تقوا، رفتار و کردار انسانی معیار اصلی در شناخت انسانها می باشد، نه نژاد، رنگ و قومیت. از آنجایی که بحث از نژادپرستی حایز اهمیت است و تنها در چند صفحه نمی گنجد و نویسنده بنا بر خلاصه نویسی داشته، از این رو مترجمان به مواردی برخورد کردند که نیاز به بسط دارد که ذیل صفحه مربوط ذکر شده است.

(مترجمان)

\*\*\*

نژادپرستی پدیده ای تازه، حقیقتی غیر قابل انکار و رویدادی تلخ، در جهان معاصر است که اتحاد و یگانگی انسان را از بین می برد. همانند فیلتری بر حس تشخیص اخلاقی ما اثری

نامطلوب می‌گذارد و همچون آینه‌ای ماهیت جامعهٔ امروزی را منعکس می‌کند، به علت وجود نژادپرستی، چهرهٔ جهان ناشناخته مانده است، زیرا در طول نبردها و کشمکشهای جهانی، فاتحان و غلبه یافتگان به گونه‌ای دنیا را بر وفق مراد خویش ساخته‌اند که گویا از آغاز آفرینش این چنین بوده است. آنان تعصب در رنگ پوست را در جوامع گسترش داده‌اند، هر چند نژادپرستی که امروزه طیف وسیعی از تبعیض نژادی<sup>۱</sup> را تقویت می‌کند بی‌ضرر و زیان‌تر از حساسیت بر رنگ است.

در سیاستهای جهانی، نژادپرستی به مانند سازی است که بر اساس اختلافات نژادی نواخته می‌شود. همبستگی و یکپارچگی ایدئولوژیهای غربی و حداکثر قدرت در مقابل نژاد غیر سفید موجب می‌شود که دائماً این نوا بر اساس اختلاف و تبعیض در رنگ و نژاد به گوش برسد. آنچه در جهان امروز پایدار مانده است، جدایی قدرتها از اخلاق، نابرابری ثروتها، عدم تساوی حقوق انسانها، ناسودگی و عدم رفاه و بی‌عدالتی است که همه در بستر نژادپرستی اعمال می‌شوند. آنچه از آن سفیدها است رفاه، زورگویی و قدرت است، حال آنکه برای سیاه، زرد و سرخ جز ناتوانی و ضعف، رانده شدن از اجتماع، بیچارگی و رنج چیز دیگری نیست.

نژادپرستی همچون آتشفشانی است که در هر لحظه تمدن امروزی را تهدید می‌کند و تنها نیاز به چاشنی دارد تا جهان را به آتش بکشاند و خونریزی و وحشیگری در دنیا به راه اندازد. نژادپرستی عفرفیتی خطرناک است که از روح حیوانی و نفس بهیمی انسانها سرچشمه می‌گیرد و قادر است اخلاق را در جامعهٔ بشری نابود کند. شرارت و فتنه‌انگیزی از خوی حیوانی خود ما نشأت می‌گیرد که روح خدائی ما را به بند کشیده تا به بردگی و بندگی شیطان درآورد و روح جاودانهٔ ما را اسیر و بردهٔ ابدی رنگ پوست و نژاد کند. ابعاد وحشتناک و شوم نژادپرستی حتی ذهن متفکران جامعه‌شناس را به خود مشغول داشته است. این موضوع با توجه به آنچه که جامعه‌شناسان در کتابها و آثار خود عنوان کرده‌اند به خوبی مشهود می‌باشد. برای مثال «جان رُز» John Rose در کتاب «کشمکشهای نژادی در جهان معاصر»<sup>۲</sup>، سؤالی را تحت این عنوان مطرح می‌کند:

«چه کسی می‌تواند انکار کند که طرح و نقشه جنایتکاران و قاتلان نژادپرست تحت عنوان «آخرین راه‌حل»<sup>۳</sup>، در رفع گوناگونی نژادها همچون شمشیر «داموکلس»<sup>۴</sup> نیست که وجدان و

1. «Apartheid»

2. «Racial Conflict in Contemporary», London, 1985. p.152

۳- «آخرین راه‌حل» Final solution : نژادپرستان آمریکایی اخیراً توطئه خطرناکی را در پیش گرفته‌اند تا کودکان سیاهپوست را در رحم مادرانشان بوسیله داروهای مخصوص با مکر و حيله توسط پزشکان از بین ببرند. هدف نژادپرستان از این «آخرین راه‌حل» نابودی نسل سیاهان در تمامی جهان می‌باشد.

۴- «داموکلس» Damocles : یکی از درباریان «دیونیسوس» حاکم «سیراکوزا» در قرن چهارم میلادی بوده است.

صداقت انسان قرن بیستم را تهدید به نابودی می‌کند؟». تعصبات نژادی در آینده همچنان به بقای خود ادامه خواهد داد. گاه این مسأله مطرح می‌شود که در آینده زد و خورد ها و خشونت‌های جهانی، مبتنی بر جنگ‌های نژادی خواهد بود، نه نزاع‌های مرزی و یا تضاد طبقاتی. در یک چنین دیدگاه تاریکی، جهان به طور فزاینده‌ای به سوی از هم گسیختگی پیش می‌رود، زیرا ثروت و مکتب، رنگ و نژاد تنها معیار تفوق و برتری است.

انسان غربی اصل «نژاد» را به عنوان واقعیت پذیرفته است، اما نژادپرستی در اسلام جایی ندارد. اعتقادات اسلام در تضاد با نژادپرستی و طرد مطلق آن استوار است. با طرد نژادپرستی، آن گونه که اسلام به آن معتقد است، انسان جایگاه و ارزش واقعی خویش را باز می‌یابد. انسان، از دیدگاه اسلام موجودی اخلاقی است و کیفیت ساختار بدنی او بر اساس شرایط خاص محیطی و جغرافیایی به وجود آمده است. بنابراین رنگ پوست، اختلافات نژادی و جایگاه قومی انسانها در برابر رفتار و کردار آدمی دو مقوله جدا از هم هستند، اما در عین حال با هم در تضاد و تناقض نمی‌باشند. در مباحث مربوط به انسان که اسلام آن را پایه‌گذاری کرده این نکته حایز اهمیت است که عامل اساسی انسانیت انسان اخلاق و رفتار او است، نه رنگ پوست یا مسائل زیستی و محیطی. در حقیقت اختلاف در رنگ پوست و نژاد باید به عنوان نشانه‌هایی از جلال و قدرت خداوندی تلقی شود بدین ترتیب که رنگ پوست بر نوع فرهنگ و نژاد مردم افزوده شده و به خلقتی تحسین‌آمیز از جانب پروردگار عالمیان تبدیل گشته است. این کلام زیبای قرآن است که می‌فرماید:

«از آیات خدا خلقت آسمانها و زمین و اختلاف زبانها و رنگهائیان است به درستی که در آن هر آینه آیتها است برای دانایان»<sup>۶</sup>. بنابراین اختلاف در رنگ و زبان و نژاد انسانها صرفاً مبتنی بر تمایز در تشخیص هویت و شناخت هر چه بیشتر مردم از یکدیگر است و هیچ ارتباطی با سرشت آدمی ندارد. زیرا ارزش واقعی انسان فقط بر اساس تقوا و پرهیزگاری و انجام کارهای نیک ارزیابی می‌شود. همچنان که پروردگار در جای دیگر از قرآن می‌فرماید:

«ای مردمان! ما شما را از مرد و زن آفریدیم و شما را قبیله‌ها و قومهای مختلف قرار دادیم

داموکلس سوار بود. پادشاه می‌گفته که او را به مقامات عالی برساند. روزی دیونیسوس او را به جشنی دعوت می‌کند و به وی می‌گوید که تو از این به بعد پادشاهی. داموکلس به هنگام غذا خوردن شمشری را که بوسیله تکه موی نازکی از سقف آویزان بود و هر آن امکان سقوط آن می‌رفت بالای سر خود دید. بدین ترتیب «شمشر داموکلس» مثلی شد برای افرادی که مایلند به مقامات بالا برسند، اما خطرهایی در سر راهشان وجود دارد. م.

۵- نمونه‌ای از آن را می‌توانید در کتاب «جنگ نژادی»

«The Race War» by Ronald Segal, London, 1966

ملاحظه فرمایید:

۶- وَ مِنْ آيَاتِهِ خَلْقُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَ الْخِلَافِ الَّذِي بَيْنَكُمْ وَ الْوَالِدُ الَّذِي فِي ذُنُوبِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ (سوره روم/ ۲۲).

تا یکدیگر را بشناسید. گرامی‌ترین شما در نزد خدا کسی است که با-تفاوت‌تر است، که خدا داناست و کاردان»<sup>۷</sup>

با پذیرش تقوا به عنوان معیار و سنجش انسان، هرگونه غرور و تبعیض‌های نژادی و قبیله‌ای و انسانی در دیدگاه انسان مسلمان رنگ می‌بازد. ایمان به این ملاک ارزشمند، انسان را به دشمن قسم خورده «فرهنگ نژادپرستی» تبدیل می‌کند، فرهنگی که در تعالیم اخلاقی اسلام به عنوان یک ضد ارزش تلقی شده و آن را از بقایا و آثار دوره جاهلیت می‌داند.<sup>۸</sup>

قرآن که سرچشمه علم هستی‌شناسی است سرآغاز تبعیض نژادی را آن هنگامی می‌داند که شیطان به وجود تفاوت بین خود و آدم آگاهی یافت. در آیات قرآنی، موارد متعددی درباره شیطان بحث شده است. به عنوان مثال پروردگار متعال درباره مخالفت شیطان با انسان می‌فرماید:

«و چون پروردگارت به فرشتگان گفت: من از گل خشک و سیاه بو گرفته، انسانی خواهم آفرید؛ و چون آن را بپرداختم و از روح خویش در او دمیدم سجده کنان برابر او بیفتید؛ فرشتگان همگیشان سجده کردند، جز ابلیس که از همراهی سجده کنان ابا و ورزید؛ خدا گفت: ای ابلیس ترا چه شد که هم آهنگ سجده کنان نشدی؛ گفت: من آن نیستم که انسانی را که از گل خشک و سیاه بو گرفته آفریده‌ای سجده کنم».<sup>۹</sup>

کاملاً مشخص است که علت امتناع شیطان از سجده کردن در مقابل آدمی، غرور و تکبر بوده است، تنها به این علت که آدم از جنس پست‌تر، از گل سیاه گندیده، ترکیب یافته است. در جای دیگر قرآن با شرح و تفصیل بیشتری راجع به علت خود بزرگ بینی شیطان و ناسازگاری در عدم اطاعت از امر خدا می‌پردازد:

«مأینت چه بود که وقتی فرمانت دادم سجده نکردی؟ گفت: من از او برترم، زیرا مرا از آتش آفریده‌ای و او را از گل»<sup>۱۰</sup>

داستان خلقت آدم و لعن شیطان، از موضوعات مهمی است که بازتابی عمیق در مسائل فلسفی، عقلی و عرفانی دارد. اما آنچه که در این مختصر می‌گنجد بیان کبر و غرور از دیدگاه قرآن

۷- یا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَىٰكُمْ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ (الحجرات/ ۱۴).

۸- به قول علامه اقبال لاهوری؛ اسلام نژاد و ملیت پرستی را مطرود می‌داند و آن را در شمار بت پرستی می‌شمرد. زیرا اسلام ترکی، عربی و هندی وجود ندارد. نه ملت بلکه امت، بلکه جماعت، در مسائل اجتماعی اسلام اهمیت دارد. «به نقل از تاریخ مذکور، نوشته رضا براهنی»، م.

۹- وَإِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلَائِكَةِ إِنِّي خَالِقٌ بَشَرًا مِنْ صَلْصَالٍ مِنْ حَمَإٍ مَسْنُونٍ. فَإِذَا سَوَّيْتُهُ وَنَفَخْتُ فِيهِ رُوحِي فَقَعُوا لَهُ سَاجِدِينَ. فَسَجَدَ الْمَلَائِكَةُ كُلُّهُمْ أَجْمَعُونَ. إِلَّا إِبْلِيسَ أَبَىٰ أَنْ يَكُونَ مَعَ السَّاجِدِينَ. قَالَ يَا إِبْلِيسُ مَا لَكَ أَلَّا تَكُونَ مَعَ السَّاجِدِينَ. قَالَ لَمْ أَكُنْ لِسُجُودٍ لِشَيْءٍ خَلَقْتَهُ مِنْ صَلْصَالٍ مِنْ حَمَإٍ مَسْنُونٍ (الحجر/ ۲۸ تا ۳۳).

۱۰- قَالَ مَا مَتَّعْتُكَ إِلَّا تَسْجُدَ إِذْ أَمَرْتُكَ قَالَ أَنَا خَيْرٌ مِنْهُ خَلَقْتَنِي مِنْ نَارٍ وَخَلَقْتَهُ مِنْ طِينٍ (اعراف/ ۱۲).

در موجودی است که علیه خدا طغیان کرد. لذا نظریه تسلیم در مقابل خدا (اسلام) بر اساس قرآن، مطلقاً در برابر خودستایی — که نمونه کاملی از رفتار و منش شیطانی است — مطرح می‌شود. در مقابل امر صریح خدا، ابلیس از احترام به آدمی امتناع می‌ورزد، به این علت که از عنصر برتر است و از آتش خلق شده است، برخلاف انسان که از گل آفریده شده است. شیطان بر تفوق طلبی و برتری جویی خویش اصرار می‌ورزد، زیرا نفس پرستی موجب بروز طغیان و سرکشی در وجود او می‌شود.

بدیهی است که چرا یک چنین پندارهای باطل نمی‌تواند با نظریه اخلاقی قرآن به عنوان اطاعت از فرمانهای خدا هماهنگ شود. در نزد خدا هیچ یک از موجودات — چه از آتش یا خاک — ارزش و اعتباری جز بر مبنای اجرای دستورات پروردگار ندارد. از این رو معیار برتری انسان از دیدگاه قرآن بر مبنای اخلاق و کردار — به مفهوم اسلامی آن — استوار است. بینش قرآنی تنها به کسانی بهاء می‌دهد که از نظر اخلاقی مراتب عالی را پیموده باشند، اخلاقی مبتنی بر تسلیم در برابر خدا و عمل به دستورات او. اگر انسان به آنچه خدا از او خواسته عمل کند، شیطان هرگز نخواهد توانست بر آدمی تفوق و برتری ذاتی پیدا کند. آن هنگام که فرشته مغرور از انجام دستورات خداوندی سر باز زد، برای همیشه از درگاه او طرد شد و به اسفل السافلین سقوط کرد. از این رو رعایت اصول اخلاقی و تسلیم در برابر اراده خدا با برتری نژادی و نافرمانی از فرمانهای خداوندی در تضاد هستند و اسلام نیز با نژادپرستی به علت نفی اصول اخلاقی و انسانی دائماً در ستیز بوده و هست.

\*\*\*

با توسعه سریع تمدن اسلامی — بویژه در قرن اول هجری — و پیوستن بسیاری از ملل بیگانه به امت اسلامی، بتدریج اعراب در تعصبات نژادپرستی خود در تنگنا قرار گرفتند و تمامی نژادها و اقوام در تحت حمایت اسلام به آزادی و استقلال دست یافتند. تضاد بین عقیده به نژادپرستی، ملیت گرایی، برتری و تسلط اعراب فاتح در سرزمینهای غیر عربی و دعوت اسلام مبنی بر برابری و تساوی حقوق مسلمانان در کشورهای اسلامی در صدر اسلام بنا نهاده شد. با اطمینان می‌توان ادعا کرد که: همانگونه که تا کنون آیین حیاتبخش اسلام ثابت کرده، هرگز هیچ گونه تمایلی به نژادپرستی در جامعه متحد اسلامی به چشم نخورده است، بلکه این جامعه دارای هویتهای زبانی، ملی و نژادی مختلف آزادانه و بدون دلبستگی ملی و نژادی نسبت به امت اسلامی وفادار و صادق مانده است. بر این اساس، شاهدی تاریخی نمی‌توان یافت که نهضت «شعوبیه»<sup>۱۱</sup> در قرن سوم

۱۱- شعوبیه: گروهی از مردم غیر عرب با اندیشه‌های ضد ناسیونالیستی بودند که در اوایل سده دوم هجری در حوزه خلافت اسلامی پدیدار گشتند و تا سده چهارم به صورتهای گوناگون به تبلیغ اندیشه‌های ضد ناسیونالیسی خود می‌پرداختند. ظهور شعوبیان واکنش اندیشه‌های قبیله‌ای مبتنی بر جاهلیت و کشورگشایی حکومت اموی بوده است، زیرا حکومت بنی امیه یک حکومت نژادی و برتری جویی عرب بر عجم بوده است. شعوبیان با استناد به تعالیم اسلام می‌گفتند

هجری را به عنوان یک جنبش ناسیونالیستی و قیام «زنگیها» در قرن نهم هجری را به عنوان یک قیام نژادی قلمداد کند. این دو جنبش حق طلبانه، قیامهایی بر علیه نابرابریها و عدم تساوی حقوق انسانها بود که از نتایج درخشان آن شکل گرفتن حس برابری و برادری اسلامی، نفی نژادگرایی، اعتقاد به تساوی حقوق مؤمنان بوده است.

مسلمانان به وسیله تقوا و پرهیزگاری به عنوان معیار شناخت انسان موفق شدند حتی از احساسات و غرور ملی و نژادی نیز در راستای تکامل انسانی و فعالیتهای ارزشمند بهره گیرند. حقایق تاریخ اسلام به روشنی و وضوح حاکی از عدم وجود تعصبات نژادپرستی در میان مسلمانان بوده است، هر چند افرادی بر اساس کینه‌توزی به وقایع تاریخ اسلام نظر افکنده‌اند. علی‌رغم تلاشهای واهی بعضی از محققان وابسته به صهیونیستها در چند قرن اخیر که تلاششان همواره بر این اساس بوده که افسانه نژادپرستی را در اسلام حقیقی جلوه بدهند<sup>۱۲</sup>، ولی فرهنگ و سنتهای اصیل اجتماعی مسلمانان، بطور مشخص، بر هر محقق و تاریخ‌شناس منصف تأثیری بسزا گذاشته است. «آرنولد توین بی» Arnold Toynbee یکی از این پژوهشگران است که اثری مشهور تحت عنوان «مطالعه تاریخ»<sup>۱۳</sup> از او به یادگار مانده است. او دیدگاه اسلام درباره عدم تفاوت رنگ پوست انسانها را این چنین به رشته تحریر درآورده است:

«اعراب بدوی در صدر اسلام که پایه‌گذار خلافت بنی امیه بودند، مردمی سبزه و گندمگون بوده و تلویحاً اعتقاد به تفوق نژادی بر دیگر اقوام و ملل داشتند و رعایای ترک و فارس را که مردمی بور و سفید بودند را نژادهای پست‌تر می‌دانستند. آنان این تمایز و افتراق نژادی را همان گونه ترسیم می‌کردند که امروزه عده‌ای بین بورها و سبزه‌ها قائلند، با این تفاوت که آنها — بر عکس آنچه امروزه معتقدند — خود را به عنوان سبزه پوستها برتر از بورها می‌پنداشتند. اما همین سبزه‌ها، اولین قوم برگزیده خدا بودند! با این وجود، اعراب مسلمان سفید پوست و سبزه پوست در برابر نژادهای غیر سفید از تعصبات رنگی مبرا بوده‌اند.

امروزه، مسلمانان، خانواده بشری را به دو گروه تقسیم می‌کنند (همان تقسیم‌بندی که در

---

عرب را بر عجم فضیلتی نیست. در قرون سوم و چهارم هجری نهضت شعوبیه تحت تاثیر اندیشه برتری عجم بر عرب اختصاص به افرادی یافت که با عرب بیگانه بودند. جهت کسب اطلاعات بیشتر می‌توانید به «نهضت شعوبیه» نوشته حسینعلی ممتحن مراجعه نمایید. م.

۱۲ — رک: «Race and Colour in Islam» by Bernard Lewis, New York, 1971. در این کتاب «برنارد لوئیز» سعی کرده فهرستی از مسائل دروغین را گردآوری نماید و نمایی از تعصبات نژادی ساختگی را در تمدن با شکوه اسلامی منعکس کند. وی بر اساس رعب و وحشت از اسلام همانند یک آسیب‌شناس مسائل اجتماعی از نقطه ضعفهای ساختگی اسلام باری جسته و به آن تاخته است. «لوئیز» همچون ارواح اجداد یهودیش در صدر اسلام حتی از سیاهان نیز متنفر بود.

13. «A Study of History»

قرون وسطی مسیحیان به آن قائل بودند): «مؤمنان و کفار» که حتی کفار نیز بالقوه مؤمن تلقی می‌شوند.<sup>۱۴</sup> این تقسیم‌بندی و رای امتیازات نژادی است که نژادپرستان به آن معتقدند. در عصر حاضر آزاد اندیشی و وسعت نظر در جوامع مسلمان سفید پوست از آنچه که در میان مسیحیان در قرون وسطی وجود داشته بسیار بارزتر است، زیرا مسیحیان در قرون وسطی ارتباطی بسیار اندک با نژادهای مختلف داشته‌اند، حال آنکه مسلمانان همواره ارتباط خود را با سفید پوستان آفریقایی و هندی حفظ کرده‌اند و این ارتباط بطور روزافزون افزایش یافته است. در زمان کنونی نیز سفید پوستان و سیاه پوستان مسلمان به هم آمیخته‌اند و تحت لوای اسلام در هندوستان، آفریقا و دیگر نقاط جهان با هم زندگی می‌کنند. سفیدپوستان مسلمان بر مبنای دیدگاه «ضد نژادپرستی در اسلام» دخترانشان را به همسری سیاه‌پوستان مسلمان در می‌آورند. بدین ترتیب مسلمانان به اثبات رسانده‌اند که علی‌رغم اختلافات نژادی و پوستی می‌توان با صلح و صفا و آزادی با یکدیگر زندگی کرد.<sup>۱۵</sup>

عده‌ای «توین بی» را متهم می‌کنند که از روی احساسات به تاریخ نگرسته است، اما او به این نکته بخوبی توجه کرده که همه مسلمانان بر اساس تعالیم اسلام دیدگاهی واحد نسبت به مسأله نژاد دارند.

در عصر حاضر ممکن است گروهی از مسلمانان بر اساس قوانین حیاتبخش اسلام زندگی نکنند، با این وجود اعتقاد مسلمانان و بیش‌مشتک تاریخی، که اسلام را مذهبی کاملاً ضد نژادپرستی معرفی می‌کند نقض نمی‌شود. یک مسلمان به علت اعتقاد به برابری حقوق تمامی انسانها که در میراث مذهبی او جایگاهی خاص دارد طبعاً می‌پندارد که همه ادیان بزرگ جهان بر عدم تعصب نژادی و برابری انسانها استوار هستند، نژادپرستی علی‌رغم نداشتن هرگونه پشتوانه مذهبی در طول تاریخ، به عنوان یک عقیده مقدس در تفکرات بسیاری از پیروان مذاهب نفوذ کرده است.

گرچه بعضی از مذاهب بزرگ دنیا همچون مسیحیت کاتولیک، بودیسم و اسلام در تئوری و عمل دارای اصول کلی هستند و داعیه جهانی بودن دارند ولی روایاتی [که بدون شک ساخته و پرداخته بعضی از پیروان سودجو و خودپرست آنها است] در این مذاهب تقدیس شده که انحصار نژادی و برتری‌جویی از جمله آن می‌باشد، هر چند این به مفهوم رد اعتقادات جهانی این مذاهب نیست. پیروان دین یهود و برهمنی، دگرگونی در مذهب را نیز پذیرفته و آن را موجه جلوه داده‌اند، حتی اعتقاد به تبلیغ و دعوت به تحریف در اصول این دو مذهب جایگاهی ویژه دارد. روحی که بر باطن روایات تحریف شده در اصول این دو مذهب حاکم است، روح تنگ‌نظرانه و برتری

۱۴- بر مبنای آیات قرآن مجید فطرت انسانها بر مبنای خداپرستی استوار گشته است.

15. «A Study of History», Vol I, London, 1939; p.226

- طلبی نژادی است، حتی اگر تحت لوای «اندیشه‌های خردمندانه برهمنیان» و «عهد الهی یهودیان»<sup>۱۶</sup> باشد. هندوئیسم از نظر آداب و سنن و قراردادهای اجتماعی در قرون وسطی تنگ‌نظرتر از آن بود که داعیه جهانی داشته باشد. اما برای یهودیت که دائماً برای بقای خود در ستیز بود، رسالت جهانی و تبلیغ مذهبی غیر قابل تصور می‌کند. با توجه به این شرایط، اصل انتخاب دین یهود و «نژاد برگزیده»<sup>۱۷</sup> که ادعای «یهوه» خدای یهود بوده، ساخته و پرداخته تفکرات نژادپرستی یهودیان است، همانند بینش «مصونیت از گناه» که بر آیین نژادپرستی برهمنیان استوار است. اگر به تقدس تعصبات نژادپرستی در دین یهود اذعان داشته باشیم<sup>۱۸</sup>، باید بگوییم که نژادپرستی در این دین ظالمانه‌ترین و بیرحمانه‌ترین برخورد با انسانیت در طول تاریخ بشری است. در قرون متمادی مخالفان نژادپرستی آیین یهود، توسط این دین و تعصبات برگرفته از آن مورد آزار و شکنجه قرار گرفته‌اند. مسائل نژادی برای مسلمانان به گونه‌ای نادرست تفهیم شده است. از این رو گاهی مسلمانان نمی‌توانند با آن برخوردی صحیح و منطقی کنند. زیرا مسائل فکری، احساساتی و مذهبی، آنان را از تفکر اصولی در مورد ضد یهودیت (سامی)<sup>۱۹</sup> Anti-semitism در درون مسیحیت قرون وسطی<sup>۲۰</sup> و آزادی خواهی غربی عصر حاضر<sup>۲۱</sup> که محل باروری و رشد بینش ضد
- ۱۶- روزه گارودی، «ماجرای اسرائیل، صهیونیسم سیاسی»: «یهودیان صهیونیست با مطرح کردن مسائلی همچون «وعدۀ خداوندی» به حضرت ابراهیم (ع) در سرزمین فلسطین و با «برگردگی قوم یهود» که به نام این «حق خدایی» است تمامی حقوق انسانی کسانی را که هزاران سال در فلسطین زندگی و کار کرده‌اند زیر پا می‌گذارند» م.
- ۱۷- برنارد لازار Bernard Lazare، «پیامبری و مذهب، مطالعاتی در زندگی بریما» چاپ ۱۹۲۲: «یهودیان به عنوان یک ملت برگزیده به خود می‌نگریستند، ملتی که از تمام ملل دیگر برتر بود. این شیوه نگرش تمام ملت‌های برتری جو است.» م.
- ۱۸- در متون مذهبی یهودیان به «روحیۀ کشورگشایی و استیلاء و قتل عام از سوی یوشع، سیاست اختلاف نژادی عزرا و اصرار به تبدیل اسرائیل به عنوان مرکز و تاریخ جهان» مواجه می‌شویم. از سوی دیگر «ثودر هرتزل» Theodore Hertzl (۱۹۰۴-۱۸۶۰ م) بانی صهیونیسم معتقد بود که: «یهودیان قابل مشابه با ملتی که در میان آنها زندگی می‌کنند نمی‌باشند» م.
- ۱۹- علی حجتی کرمانی، «اسلام و تبعضات نژادی»، صفحه ۸۳: «یکی از دلایل صهیونیست‌های اسرائیل برای اشغال غاصبانۀ فلسطین و آواره کردن مسلمانان اینست که ما از نژاد سامی و نواده‌های عبرانیهای قدیمی هستیم. جهت کسب اطلاعات بیشتر می‌توانید مراجعه کنید به: «فلسطین» نوشته تلحوق و «سرگذشت فلسطین» نوشته اکرم زعیتر، ترجمه حجت الاسلام هاشمی رفسنجانی. م.
- ۲۰- دکتر یوسف فضائی، «سیر تحولی دینهای یهود و مسیح»، صفحه ۱۶۲: یکی از فرقه‌های یهودیت، فریسیان (Phrisees) بوده است. «قیافا» رئیس کاهنان یهودیان فریسی به کشتن و مصلوب شدن حضرت عیسی (ع) فتوا داد و او را مرتد می‌دانست (انجیل یوحنا- باب ۱۸- آیه ۲). کاهنان فریسی پیوسته با حضرت عیسی (ع) مناظره می‌کردند و به او تهمت زنا می‌زدند و به او اهانت می‌کردند (انجیل لوقا- باب ۱۷- آیه ۲۰). این تفکرات، خشم مسیحیان را برانگیخت و موجب مبارزه مسیحیان با یهودیان و آزار و اذیت آنان در قرون وسطی شد. م.
- ۲۱- موسی دولون، کتاب زهر Zohar (روشنایی): «صهیونیسم سیاسی نوعی فساد و تباهی ملی گرایانه به شمار می‌رود»

یهودیت بوده و هست دور می‌کند.

این نکته توسط خاخامهای یهودی همواره عنوان می‌شود که: «همزیستی مسالمت‌آمیز آلمانیها و یهودیان در قرن ۱۹ میلادی با زندگی مسالمت‌آمیز اعراب مسلمان و یهودیان در قرون وسطی قابل مقایسه است». «گویتین» S. D. Goitein مخالفتش را با این دیدگاه کاهنهای یهودی بدین صورت بیان داشته است:

«کاملاً بدیهی است که این دو همزیستی نمی‌توانند با یکدیگر قابل مقایسه باشند. تمدن کنونی غرب همانند تمدن باستانی یونانیان مغایر با فرهنگ و تمدن یهودیان می‌باشد. از طرف دیگر مبنای اسلام همان مبنای دین یهود است، همان‌گونه که منشأ زبان عربی عبری است (با این تفاوت که اسلام شکلی نوین، برتر و توسعه یافته نسبت به دین یهود است). به علت درک صحیح مسلمانان از ریشه مشترک اسلام و یهود، یهودیان به آزادی کامل در انجام امور و مراسم مذهبی خود در تمدن اسلامی دست یافته بودند<sup>۲۲</sup> و موفق شدند استقلال و تمامیت قومی خود را حتی بیش از آنچه که در جهان امروز بدست آورده‌اند و یاد ر حکومت یونانی اسکندر<sup>۲۳</sup> کسب کرده بودند حفظ کنند. اگر کتب نویسندگان یهودی در قرون وسطی در ارتباط با اسلام و اعراب و کتب و آثار دیگر نویسندگان یهودی در قرنهای ۱۹ و ۲۰ میلادی را بررسی نمایم، متوجه تأثیر فرهنگی جوامع بر یهودیان می‌شویم<sup>۲۴</sup>، یکی از این کتابها «ژرمنیسم و یهودیت»<sup>۲۵</sup> اثر هرمان کوهن<sup>۲۶</sup> می‌باشد. وی هر امر قابل تصویری را در دین یهود جایز و قابل توجیه می‌داند<sup>۲۷</sup>. توجیه هر عملی که در راه نیل به مقصود مؤثر باشد بهترین دست‌آورد تأثیر تفکرات نژادپرستی پان ژرمنی بر کوهن محسوب می‌شود.

که مسیر نه از یهودیت که از ملی‌گرایی و استعمارگرایی اروپای قرن نوزدهم نشأت می‌گیرد» م.

۲۲- روزه گارودی Roger Garandy، «ماجرای اسرائیل، صهیونیسم سیاسی» صفحه ۱۲: «صهیونیسم مذهبی [یهودیت] هرگز با مخالفت مسلمانان که آنها نیز خویشتن را از اخلاف ابراهیم (ع) و آیین او می‌شمردند برخورد نکرد. این صهیونیسم معنوی [در برابر صهیونیسم سیاسی] هرگز به برخورد میان جوامع یهودی و عرب (خواه مسلمان یا مسیحی) منتهی نشد» م.  
23. «The Hellenistic Society of Alexandria»

۲۴- «جان ناس»، تاریخ جامع ادیان، صفحه ۳۶۱: «در ادوار حکومت یونانیان در علوم کلام و ادبی و مسائل مربوط به عالم طبیعت در دین یهود تأثیر فرهنگی یونانیان بخوبی مشهود است... تمدن و تفکر یونانی (هلنیسم) در اندیشه متفکران یهود تأثیرات عمیق داشته است. از طرف دیگر عقاید و افکار زردشتی و نژاد پرستی و ملیت‌گرایی آلمانی و انگلیسی در فکر دینی و فرهنگ یهود تأثیری بسزا داشته است» م.

25. «Germanism and Judaism»

۲۶- «هرمان کوهن» Hermann Cohen (۱۹۱۸-۱۸۴۲ م): فیلسوف مشهور آلمانی و یکی از مؤسسان مکتب نوکانتی ماربورگ بود. در قرن نوزدهم میلادی ملیت‌گرایی به شدیدترین وجهی در آلمان جلوه می‌کرد و تأثیرش بر روی هرمان کوهن و ثودور هرتزل از هر جهت چشمگیر بود. م.

۲۷- جهت کسب اطلاعات بیشتر می‌توانید به «ماجرای اسرائیل، صهیونیسم سیاسی» مراجعه نمایید. م.

با توجه به این نکته، اکثر نویسندگان یهودی در قرون وسطی که به زبان عربی می‌نوشتند هیچ‌گاه کمترین تردیدی در مورد برتری مطلق قوم یهود به خود راه نمی‌دادند آنها توجه به برتری مطلق قوم یهود را که توسط صهیونیستها عنوان شده است، مورد تاکید قرار می‌دهند. این به مفهوم آن نیست که چنین گرایش برتری طلبانه‌ای باید در زمان ما مورد قبول واقع شود، بلکه به اعتقاد من تنها به عنوان نشانه‌ای از وجود فرهنگ مستقل و متکی به نفس یهودیان، درون جامعه اسلامی محسوب می‌شد که نشأت گرفته از ارتباط هویتی یهودیان با محیط زیستی آنان است. در هیچ عصری یهودیان مواجه با این چنین همزیستی مسالمت‌آمیز، به آن گونه که در قرون وسطی در میان مسلمانان وجود داشته نشدند<sup>۲۸</sup>».

رفتار انسانی مسلمانان با یهودیان نمونه‌ای کم نظیر است، نمونه‌ای که قومی مغلوب و آواره و تحقیر شده<sup>۲۹</sup> در تحت حمایت تمدن اسلامی به زندگی خود تداوم بخشید و در کنار آن امنیتی سرچشمه گرفته از احساسات و عواطف پاک انسانی مسلمانان برای آنان به وجود آمده بود. این رفتار مسلمانان موجب گشت یهودیان در خود برتری نژادی بر مسلمانان احساس کنند. با توجه به این استقلال و امنیت اعطا شده از سوی مسلمانان، پایمال نمودن حقوق ملتها توسط یهودیان صهیونیست سرنوشتی فاجعه‌آمیز برای بشریت محسوب می‌شود که در آن دروغ‌پردازها و حيله‌گرهای نژادپرستانه صهیونیستهای غاصب بذر عداوت و شرارت ضد یهودیت را در ممالک اسلامی می‌گستراند و آن را بارور می‌کند.

از سوی دیگر بنگاه‌های تبلیغاتی صهیونیستها همواره تعصبات نژادپرستی را در خاورمیانه گسترش می‌دهند. هجوم تبلیغاتی نشریات متمایل و وابسته به صهیونیستهای اشغالگر همواره این هدف را دنبال می‌کند که چهره‌ای زشت و کریه از مسلمانان ترسیم نماید. علاوه بر کتاب «نژاد و رنگ در اسلام»، نوشته برنارد لویز که قبلاً ذکر شده‌می‌توان دو کتاب دیگر وابسته به صهیونیسم با نام: «یهودیان و مسیحیان در تمدن اسلامی<sup>۳۰</sup>» نوشته بیت پیور Bat Ye'or (با اسم مستعار: دختر نیل) و کتاب تخیلی «از روزگارازل<sup>۳۱</sup>» نوشته جان پیتر John Peter را نام برد.

صهیونیستها در جهت ایجاد تعصبات نژادی در کشمکشها و اختلافات سیاسی عمده و اساسی در خاورمیانه گام برمی‌دارند. با توجه به این نکته مسلمانان جهان باید از آفت تفکر القایی اروپایی که هدفی جز نمایاندن ضدیت مسلمانان با نژاد یهودی — سامی — ندارد خود را مصون

28. «Jews and Arabs», New York, 1955 p.130

۲۹ — جهت کسب اطلاعات درباره آوارگها و قتل عام یهودیان می‌توانید به کتاب: «سیر تحولی دینهای یهود و مسیح» نوشته دکتر یوسف فضائی مراجعه نمایید. م.

30. «The Dhimmī: Jews and Christians under Islam»

31. «From Times Immemorial»

دارند، چرا که به هر حال اعراب از نظر ریشه‌زبانی، — نه از جهت نژاد — سامی هستند. سرآغاز شکل گرفتن نژادپرستی در خاورمیانه می‌تواند به عنوان بخش کوچکی از یک توطئه برنامه‌ریزی شده<sup>۳۲</sup> و حيله‌ای کثیف که توسط خط‌مشی سیاسی یهودیان صهیونیست سازماندهی می‌شود محسوب گردد. با این وجود مسلمانان قادر نخواهند بود در برابر این فتنه تنها با اتکاء به خشم مبارزه کنند. دستورات صریح قرآن، رسوم و سنتهای اخلاقی در میان مسلمانان و آنچه تاریخ در میان ایشان به میراث گذاشته اقتضا می‌کند مسلمانان جهان در برابر این چنین توطئه شومی ایستادگی کنند. حتی اگر یهودیان در قرون وسطی قادر بودند صادقانه و شرافتمندانه، «انسانیت و مردانگی» دیدگاههای سیاسی بر پایه منطق و اعتقادات مذهبی در جهت سعادت انسانها را که تنها در تمدن اسلامی قابل تحقق است درک کنند هیچ‌گاه مسلمانان مجبور نبودند از صفات و خصصتهای پاک انسانی در برابر توطئه‌های نژادپرستان صهیونیست، ذره‌ای عدول کنند.

مبارزه در برابر عفریت نژادپرستی بدین مفهوم است که مسلمانان بینشی ژرف و زیربنایی در مورد حقانیت مبارزات ضد یهودی در غرب<sup>۳۳</sup> و اطلاعاتی دربارهٔ رنجها و آوارگیهای یهودیان تحت سلطهٔ مسیحیان به دست آورند. این مبارزه مبتنی بر آگاهی یافتن دربارهٔ قتل‌عام یهودیان در کوره‌های آدم‌سوزی نازیهاست<sup>۳۴</sup> که شاید آنرا بتوان وحشتناکترین جنایت در طول تمدن بشری دانست. مبارزه با نژادپرستی همچنین به معنای افشای فعالیتهای سیاست‌بازانی است که به دروغ وعده‌هایی در جهت حل مشکلات و مسائل اقلیتهای مذهبی در جهان می‌دهند.

از طرف دیگر قتل‌عام مسلمانان توسط صهیونیستها<sup>۳۵</sup> باید در مراجع حقوقی مطرح شده و

۳۲- بر اساس گزارش بانک جهانی بیش از ۵۰٪ از بودجه اسرائیل صرف ارتش می‌شود، هدف از این بودجهٔ عظیم بنا بر اعتراف آریل شارون، دفاع از اسرائیل نیست، بلکه هدف آن از هم پاشیدگی کشورهای عرب منطقه است. «به نقل از کتاب ماجرای اسرائیل، صهیونیسم سیاسی. نوشته: روزه گارودی». م.

۳۳- برنارد لازار، «احساسات ضد یهود، سرگذشت و انگیزه‌هایش»، چاپ ۱۹۸۴: «احساسات ضد یهودی به منافع اقتصادی برخی از سرمایه‌داران غربی کمک می‌کند». م.

#### 34. Holocaust

۳۵- از جمله قتل‌عام مسلمانان توسط صهیونیستها می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد:

الف- در ۹ آوریل ۱۹۴۸ تروریستهای تشکیلات ایرگون به رهبری مناخم بگین به روستای عرب‌نشین «دیر یاسین» یورش برده و تمام جمعیت این روستا را قتل‌عام کردند.

ب- در ۱۴ اکتبر ۱۹۵۴ «یکان ۱۰۱» تحت فرماندهی آریل شارون به یک روستای کوچک فلسطینی در اردن هجوم می‌برند. حاصل حملهٔ این گروه اینچنین بود: ۶۶ تن از ساکنان (که ۳/۴ آنان را زنان و کودکان تشکیل می‌دادند) قتل‌عام شدند، سربازان اسرائیل همچنین خانه‌ها را بادینامیت منفجر می‌کنند.

ج- کشتار «خان یونیه» Khan Yunie و بنی سهیل در خاک مصر که در شبانگاه ۳۱ اوت ۱۹۵۵ به رهبری شارون انجام گرفت.

د- در اوائل سال ۱۹۵۷ فالانژیستهای وابسته به اسرائیل با بمب‌گذاری در یک اتوبوس تعدادی فلسطینی را به

مورد بررسی قرار گیرد. این کشتارهای دسته‌جمعی نمی‌تواند به عنوان دستاویزی برای توجیه موقعیت ناهنجار و غمبار یهودیان در طول تاریخ قرار گیرد. معنویت و شعور اخلاقی مسلمانان ایجاب می‌کند که آنان به گناه فردی و کیفرهای دسته‌جمعی در مقابل آن گناه، اعتقادی نداشته باشند. ولی این مانع از این نمی‌شود که مسلمانان تنها به این علت که عاملان این کشتارها خود قربانیان قتل عام بوده‌اند در برابر قتل عامهایی که صهیونیستها بارها و بارها مرتکب آن شده‌اند چشم‌پوشی کنند. مسلمانان از گناه «نژاد برتر» و رنج «قوم برگزیده» می‌زایند، در نتیجه در وضعیتی مناسب، جهت بررسی تعصبات درونی سیه‌دلی انسان، قرار دارند. مسلمان حتی باید در برابر ستمدیدگان دیروز که تبدیل به حاکمان مستبد امروز می‌شوند لب به اعتراض بگشاید.

علی‌رغم کشمکشها و تضادهای سیاسی بین مسلمانان و یهودیان صهیونیست که بر بسیاری از مسائل تأثیری بسزا دارد هوشیاری و آگاهی مسلمانان ایجاب می‌کند که به رنجها، مشقات و ستمهایی که یهودیان تحت سلطه صهیونیستها تحمل می‌کنند توجه خاص مبذول دارند و دست دوستی و اتحاد به سوی یهودیان غیر وابسته به صهیونیستها دراز کنند. و آنان را در جوامع اسلامی صمیمانه پذیرا باشند. تنها این چنین طرز برخورد و رفتاری مطابق با ندای آسمانی قرآن است که: «انسان را به مبارزه با اهریمن تکبر و غرور فرا می‌خواند».

\*\*\*

بدون شک بزرگترین قربانی تعصبات نژادپرستی در طول تمدن بشری سیاهان هستند. رنج و ستم سیاه‌پوستان در بستر تاریخ وصف‌ناپذیر است. گرچه تنها بعد از پیدایش تمدن جدید، سیاهان [و دیگر رنگین پوستها] دستخوش هجوم نژادپرستی قرار گرفتند<sup>۳۶</sup> اما نژادپرستی سفید نسبت به سیاه در بخش وسیعی از جهان به چشم می‌خورد. ظهور پدیده نژادپرستی در میان سیاهان جهان را می‌توان نتیجه سه عامل ذیل دانست:

الف— تسلط سفید پوستان در برهه‌هایی از تاریخ بر بخشهای وسیعی از مناطق سیاه‌پوست

نشین<sup>۳۷</sup>.

قتل رساندند.

ه— در سال ۱۹۸۲ در کشتار بیرحمانه ساکنین اردوگاههای صبرا و شاتیلا (در غرب بیروت) حدود ۴۰۰۰ نفر قتل عام شدند. «به نقل از ماجرای اسرائیل، صهیونیسم سیاسی. نوشته: روزه گاردوی» م.

۳۶— علی حجتی کرمانی، «اسلام و تبعیضات نژادی» صفحه ۱۱۷: «هنگامی که اروپائیان به غرب رهسپار شدند، سرخ‌پوستان را که ساکنان اصلی آمریکا بودند بی‌رحمانه از دم تیغ گذراندند. عبارت دلخواه استعمارگران این بود: تنها سرخ‌پوست خوب، سرخ‌پوست مرده است» م.

۳۷— همان مأخذ، صفحه ۱۵۲:

«بانٹوس» Bantus نویسنده مشهور افریقایی: سفید پوستان انجیل به دست آمدند، زمانی که ما به انجیل خیره شدیم زمین را از دستمان گرفتند، اکنون ما انجیل داریم و آنها زمین ما را تصاحب کرده‌اند. م.

## ب- اضمحلال و فروپاشیدگی دستورات اخلاقی در مسیحیت به عنوان یک عامل

درونی

ج- شکست سیاسی دشمن دیرینه نژادپرستی یعنی تمدن با شکوه اسلامی [بعد از جنگهای صلیبی] به عنوان یک عامل خارجی. در عصر ما نژادپرستی به عنوان یک واقعیت سیاسی بنیانش بر پایه غلبه تمدن نوین بشری بر اخلاق و انسانیت استوار است. علاوه بر آن تا حدودی شکست سیاسی جهان اسلام و اضمحلال و سقوط ایدئولوژی مسیحیت در ظهور تعصبات و تفکرات نژادپرستی در صحنه سیاست جهانی مؤثر بوده است.<sup>۳۸</sup> بحث در مورد ظلم و بیداد در قرون اخیر جایگاهی خاص دارد، اما آنچه که در این مقوله می‌گنجد تأثیرات نژادپرستی بر روح و روان آدمی و طرز برخورد اسلام به عنوان یک مکتب التیام بخش در برابر تعصبات نژادپرستی و ملیت‌گرایی است. بارزترین نمونه پایمال کردن حقوق انسانها و توانایی اسلام در برابر این معضل اجتماعی را می‌توان در وجود مسلمان سیاه‌پوست آمریکایی «مالکوم ایکس»<sup>۳۹</sup> یافت. خطرات سفر حج ارزشمندترین بخش از زندگی وی را تشکیل می‌دهد. او با صدقاتی باور ناکردنی و احساساتی تکان دهنده مناسک حج را این چنین توصیف کرده است:

«در طول ۳۹ سال زندگیم اولین بار بود که در شهر مقدس مکه در پیشگاه آفریننده جهانیان قرار داشتم و خود را انسانی کامل احساس می‌کردم» راه مالکوم به سوی «سعادت» و غلبه بر عفریت نژادپرستی حکایتی تازه از «سفرهای زیارتی»<sup>۴۰</sup> است. زیرا رنجی که مالکوم ایکس برای رسیدن

۳۸- مقوله ماهیت وجودی، ظلم و بیداد در قرون اخیر مستلزم بحثی جداگانه است، از این رو جهت کسب اطلاعات بیشتر می‌توانید به: PP- 33- 36 مراجعه نمایید. Our Liberating The Institutionalised Mentality, Inquiry, April, 1987

۳۹- الکس هیلی، «مالکوم ایکس»:

«مالکوم ایکس» (لیتل) در سال ۱۹۲۵ م در اوهایو آمریکا بدنیا آمد. او فرزند مبلغی مسیحی بود. در همان اوان کودکی زیر فشار خرد کننده جامعه بیرحم آمریکا خانواده‌اش از هم پاشید و از مصاحبت پدر و مادر محروم شد. مدرسه را ترک گفت و عازم نیویورک شد. مدتی در هارلم پیشخدمت بود و تحت تأثیر محیط زیرزمینی «هارلم» به فروش ماری جوانا کشانده شد و به کوکائین معتاد گشت و به سرقت دست یازید. به این دلیل در سال ۱۹۴۶ به ده سال زندان محکوم گردید. در زندان با نهضت مسلمانان آمریکا به رهبری «الجامحمد» آشنا گشت و به نام سخنگوی او مدافع مسائل اسلام و سیاهان گردید و برخلاف الیجامحمد به شهرتی قابل توجه دست یافت. در سال ۱۹۶۳ الیجامحمد او را از نهضت جنبش مسلمانان طرد کرد و مالکوم ایکس گروه مخالف و هسته سازمان «آفرو-آمریکن» را تشکیل داد. وی همزمان با اولین قدمهای این سازمان در سال ۱۹۶۵ ترور شد و با نام «الحاج ملک الشباز» لقبی که پس از زیارت خانه خدا در مکه برای خود انتخاب کرده بود به خاک سپرده شد. م.

۴۰- «سفرهای زیارتی» عنوان کتابی است نوشته «جان بانیان» John Baniyan، نویسنده، خطیب و کشیش انگلیسی که در حدود ۱۲ سال از عمر خویش را به علت عقاید کاتولیکش در زندان به سر می‌برد. وی که در نیمه دوم قرن ۱۷ میلادی زندگی می‌کرد در زندان کتابی به نام «سفر زائرین از این دنیا به دنیایی که در پیش است» نوشت که در واقع

به ساحل نجات بر خود هموار کرد بسی دردناکتر از رنج دیگر قربانیان نژادپرستی همچون «فرانتس فانون» و «جیمز بالدوین»<sup>۴۱</sup> James Baldwin می‌باشد. چرا که «فانون» از طریق مبارزه سیاسی موفق شد بشریت را به سوی نجات رهنمون کند و «بالدوین» نویسنده سیاه آمریکایی به وسیله نبوغ ذاتی خود، ورای محدودیت رنگ پوستش گام برداشت. شاید هیچ کلامی بهتر از سخنان جیمز بالدوین نمی‌تواند وضعیت زندگی سیاهان در آمریکا را بنمایاند. او همانند روانشناسی حادث جراحتهای نژادپرستی و غم و اندوه حاصل از آن بر روح و جان سیاهان آمریکایی را مورد بررسی و تحقیق قرار داده است. بالدوین در کتابش چنین می‌نویسد:

«داستان سیاهان آمریکا، داستان آمریکا است. یا بهتر بگوئیم، داستان مردم آمریکا است. داستان سیاهان داستانی جذاب و دلپذیر نیست. سایه‌ای بر زندگی ملی همه آمریکاییها حکمفرما است، اما این سایه بر زندگی سیاهان آمریکا بسیار غمبارتر است»<sup>۴۲</sup>.

زندگی سیاهان آمریکایی عبارت است از: تاریکی، به هم آمیختگی و خودساختگی. تمامی اینها مایه نومی‌دی در نبرد سیاهان است. از این رو هر کس ممکن است این توهم در ذهنش شکل گیرد که سیاهان آمریکا در جهل فکری مطلق زندگی می‌کنند. ظلمت حاکم بر سیاه آمریکایی دلیلی است بر این واقعیت که چرا تاریخ، پیشرفت و ارتباط سیاهان با دیگر مردم آمریکا

همان کتاب سفرهای زیارتی است. شخص اول این کتاب «کریست» نامیده می‌شود و همراه با فردی دیگر سعی می‌کنند از این دنیا به بیت‌الحم سفر نمایند. در بین راه با وقایع و افرادی برخورد می‌کنند. این کتاب به گونه‌ای طنزآلود نمایی از جامعه بی‌دین، سیاستها، دربار و روحانیت مسیحی قرن هفدهم انگلستان را به خواننده عرضه می‌کند. این دودر بین راه همه چیز دنیا را رها کرده و هرگونه مشقت و رنج را بر خود هموار می‌کنند. هدف نویسنده کتاب سفرهای زیارتی آن بوده که به خواننده گوشزد کند تنها از طریق رنج و سختی می‌توان به ساحل نجات و سعادت رسید. م.

۴۱— جیمز بالدوین: در سال ۱۹۲۴ در نیویورک به دنیا آمد. وی فرزند یک کشیش سیاه‌پوست بود و نویسنده‌گی را با خبرنگاری و قصه‌نویسی آغاز کرد. وی در طول زندگی خود کتابهای متعددی پیرامون مبارزات و وضعیت زندگی سیاهپوستان و بی‌عدالتیهایی که متوجه این قشر از جامعه آمریکا است به رشته تحریر درآورد. بالدوین در سالهای دهه ۱۹۶۰ در کنار مالکوم ایکس و مارتین لوتر کینگ در مبارزات سیاه‌پوستان علیه تبعیض نژادی در آمریکا شرکت داشت. از آثار معروف او کتاب «سرزمینی دیگر» که در سال ۱۹۶۲ عنوان پر فروش‌ترین کتاب سال را به خود اختصاص داد. از آثار دیگر او می‌توان از «کشتار در آتلانتا»، «روزی که گم شدم»، «شکار نور» و آخرین اثرش «کوارتت هارلم» را نام برد. وی در روز دوشنبه ۹ آذر (۳۰ نوامبر ۱۹۸۷ م) در سن ۶۳ سالگی در جنوب شرقی فرانسه درگذشت. «به نقل از کیهان فرهنگی — شماره ۹ — آذر ۶۶» م.

۴۲— علی حجتی کرمانی، «اسلام و تبعیضات نژادی»، صفحه ۱۱۹: آشکارترین شکل نژادپرستی در آمریکا را می‌توان در فعالیتهای فرقه «کوکلوکس کلان» که یک سازمان تروریستی است و در سال ۱۸۶۵ م بوسیله زمین‌داران جنوب آمریکا برای مبارزه علیه حقوق مدنی سیاهان آمریکا به وجود آمده مشاهده کرد. همچنین سازمان فاشیستی بسیار نیرومندی به نام «لژیون آمریکایی» وجود دارد که اعضایش را رهبران صنایع و امور مالی آمریکا تشکیل می‌دهند. این سازمان هم علیه سیاهان آمریکا مبارزه می‌کند. م.

در محدوده‌ای اجتماعی قرار گرفته است.

سیاه یک جامعه است و نه یک فرد، مشکل آنان تنها مشکل انسانی عده‌ای محدود نیست. اندیشه پیرامون سیاهان، اندیشه پیرامون آمار و ارقام، محله‌های کثیف و پر جمعیت، هتک ناموس، ظلم و بی‌عدالتی و خشونت است. مطرح کردن مسائل سیاهان به مفهوم روبرو شدن با آمار نامحدودی از خسارات و تلفات، سود و منفعت، زد و خوردها و کشمکشها است. صحبت از آنان صحبت از بی‌حرمتی و درماندگی است.

شرایط کنونی سیاهان در میان سفیدپوستان آمریکا همانند بیماری سرطان است. باید در مقابل این بیماری مزمن به ستیز برخاست، گرچه غیر قابل علاج به نظر می‌رسد...

برخورد غیر انسانی سفیدپوستان در مقابل سیاهان از برخورد غیر انسانی سفیدپوستان در برابر انسانیت جدا ناشدنی است. آن بهایی که سفید برای نابودی سیاه می‌پردازد در حقیقت زبانی نشأت گرفته از ماهیت پست و کثیف سفید است. گذشت ایام در چهره سیاهپوستان تغییرات زیادی به وجود آورده است. هیچ عاملی به مانند ظلم و ستم سفیدپوستان، در شکل دادن به سیمای سیاهان مؤثر نبوده است. گرچه خواست عمومی آمریکائیان همواره این بوده که اگر موفق نشویم چهره سیاه را سفید کنیم باید آن را بی‌رنگ کرد و هویت انسانی را از آنان سلب نمود. حتی در عصر حاضر بین سفید و سیاه در آمریکا، جدایی به گونه‌ای است که یک سیاه نمی‌تواند سفید پوستی را به همسری برگزیند و یا با آنان در زیر یک سقف زندگی کند».

مالکوم ایکس از این چنین محیطی عازم زیارت خانه خدا شد، محیطی که رنگ و نژاد اساسی‌ترین معیار انسانیت بوده و هست. در نظر او، حج سرآغاز عروج از زندگی تاریک بسوی احیای دوباره انسان است. او در طول پرواز از قاهره به سوی جده تحت تأثیر آنچه که می‌دید قرار گرفت، او به گرداگرد خود نظری افکند:

«هوایما پر از انسانهایی بود، از همه رنگ. سفید، سیاه، قهوه‌ای، سرخ، چشم آبی، مو طلایی و مانند من، موهای مجعد یا فرمز، و همه با هم برادر. همه متعهد بودند و به همه احترام می‌گذاشتند، درحالی که تنها به خدای واحد سر تعظیم فرو می‌آوردند».

مالکوم ایکس در جده موفق شد با دانشمند و سیاستمدار مصری «عبدالرحمن عزام<sup>۴۳</sup>» ملاقاتهایی داشته باشد. و آن هنگامی که در وجود عزام مهمان‌نوازی و محبت منشأ گرفته از ایمان اسلامی را مشاهده کرد در اندیشه فرورفت. مالکوم ایکس در این خصوص چنین می‌گوید:

«هرگز قبل از این در وجود این چنین انگیزه‌ای برای نیایش پروردگار وجود نداشت. به

۴۳- «عبدالرحمن عزام Abdur- Rahman Azzam: یکی از سیاستمداران بین‌المللی و مشاور سابق فیصل پادشاه حجاز بوده است. وی متولد مصر و به هنگام دیدار مالکوم ایکس ساکن کشور حجاز بوده است. کتابهایی از او به یادگار مانده که از جمله می‌توان «پیام ابدی محمد (ص)» را نام برد. «به نقل از کتاب مالکوم ایکس، نوشته الکس هیلی». م.

سجده افتادم، و خداوند یگانه را شکر گزاردم.»

روند تدریجی خودشناسی در وجودش نمایان می‌گشت. کشف باطن در وی چنین طنین انداز بود:

«در دو دوره زندگی به عنوان یک سیاه و یک مسلمان آمریکایی، هیچ عاملی مرا واداشته بود گرایشها و تمایلات ایده‌آلیستی داشته باشم. در گذشته اندیشه‌ام در پی یافتن انگیزه عمل افرادی بود که به هیچ وجه ملزم به انجام آن نبودند. همیشه در طول زندگی‌ام اگر سفید پوستی کاری برای من انجام می‌داد می‌توانستم انگیزه خودخواهی را در او مشاهده کنم، انگیزه آنان تنها منافع شخصی بود.»

اما مالکوم ایکس در رفتار عبدالرحمن عزام علائمی از خودپرستی و تکبر نمی‌یافت. او همواره از «سفید پوستان» تصویری منفی داشت. از این روبه ارزیابی واقعی سفید پوستان برداشت. وی بعد از ملاقات با «عزام» در دفتر خاطرات خود چنین می‌نویسد:

«آن روز برای اولین بار مبادرت به ارزیابی واقعی سفید پوستان کردم. برای نخستین بار پی بردم که سفیدی پوست دارای هیچ‌گونه اصالتی نیست. معیار اصلی در شناخت انسانها از نظر «اسلام» رفتار و اعمال آدمی است و رنگ چهره در مکتب اسلام نمی‌تواند مطرح باشد. در جهان اسلام سفیدهایی را می‌دیدم که کردار و رفتارشان بسیار برادرانه و دوستانه است. اما در آمریکا رفتار و کردار جای خود را به رنگ پوست و نژاد انسانها داده است و مفهوم «سفید» به مفهوم طرز برخورد خاص با «غیر سفید» است.»

این سرآغاز تجدید نظر در دیدگاه مالکوم نسبت به سفید بود. بدین ترتیب اسلام — مکتبی که معتقد است رنگ پوست در موقعیت اجتماعی انسان نمی‌تواند نقشی داشته باشد — بر این سیاه آمریکایی تأثیری عمیق گذاشت، بویژه در چند روز اقامت کوتاهی که در حجاز داشت. از این زمان بینش مالکوم ایکس در مورد یگانگی انسان هر چه بیشتر آشکار می‌شود. دیگر در وجود او تصور منفی درباره سفید پوستان راهی نداشت. پایه اصلی سخنرانیها و فعالیتهايش را برادری و برابری انسانها، تشکیل می‌داد. او در جواب عده‌ای که از وی سؤال می‌کنند: «کدام ویژگی مناسک حج تأثیری بیشتر در وجودتان گذاشت؟» می‌گوید: «برادری، در حج مردم از هر نژاد و رنگی و از تمامی جهان تبدیل به اقتی واحد می‌شوند، این اتحاد و یگانگی در بین مسلمانان قدرت خدای واحد را به اثبات می‌رساند.»

عدم تأثیر رنگ پوست به عنوان معیار ارزش در موقعیت اجتماعی انسانها، از نظر اسلام، به زندگی و خط مشی او جهت می‌بخشید. او در قسمت دیگری از خاطراتش چنین می‌نویسد:

«برخورد اسلام در مقابل رنگ چهره انسانها تأثیری بسزا در من داشته و مرا در مسیر ارزشمندی که برگزیده‌ام ترغیب می‌کند». مالکوم ایکس در موسم حج نام خود را به «الحاج ملک

الشَّباذ» تغییر داد. وقار و انسانیتی که به علت رنگ پوست، مسخ شده بود در «صحرای عرفات» مجدداً حیاتی دوباره می‌یافت. مالکوم ایکس، این سیاه آمریکایی — به ظاهر از نژاد پست — به انسانی دارای ارزشهای والای انسانی تبدیل شده بود. کلامش در مورد حج و فرهنگ اسلامی به عنوان بارزترین گواه بر این واقعیت می‌تواند محسوب شود: «هیچگاه این چنین تکریم و احترام و مهمان‌نوازی صادقانه را نظاره‌گر نبوده‌ام. در طول زندگی، هرگز شاهد روحیه استوار برادری، از مردمی که در سرزمین مقدس، سرزمین ابراهیم (ع)، محمد (ص) و دیگر پیامبران اولوالعزم گرد آمده بودند، نبوده‌ام. مجذوب و مسحور رأفت و بخشندگی مردمانی از هر نژاد و رنگ شده‌ام.

به من توفیق زیارت خانه امن الهی و مکه مکرمه دست داد. هفت بار گرداگرد کعبه طواف کردم. جوانی به نام محمد راهنمایم بود، از آب زمزم نوشیدم، سعی صفا و مروه را هفت بار بجای آوردم، در منی و عرفات خدای خویش را عبادت کردم. دهها هزار نفر از جای جای دنیا از هر نژاد و رنگی، از موطلایی و چشم آبی گرفته تا سیاهپوست آفریقایی برای زیارت گرد هم آمده‌اند. همگی در مراسم عبادی — که از روحیه اتحاد و برادری آنان سرچشمه می‌گیرد — شرکت می‌کنند. من اعتقاد داشتم که این اتحاد و برادری هرگز بین سفید و غیر سفید در آمریکا مفهومی ندارد. مردم آمریکا نیازی مبرم به شناخت «اسلام» دارند، زیرا تنها اسلام است که تمامی تعصبات نژادپرستی را از جوامع می‌زداید. در طول سفر به کشورهای اسلامی من با مردمی که در آمریکا، سفیدی پوستشان ارزش تلقی می‌شود دیدار داشته‌ام، با آنان به گفتگو نشسته‌ام و سربیک سفره با ایشان غذا خورده‌ام. اما رفتار و حالات سفید مآبانه توسط مذهب اسلام از بینش و کردار و رفتارشان طرد شده است. هیچ‌گاه تا این اندازه صداقت و برادری — که تنها در میان این مردم بی‌توجه به رنگ پوست و نژاد بعینه قابل مشاهده است — در میان دیگران ندیده‌ام. در خلال چند روز گذشته من با مسلمانانی که چشمهایشان آبی‌ترین چشمها، موهایشان طلائی‌ترین موها و پوستشان سفیدترین پوستها است هم کاسه بوده‌ام، با هم از یک لیوان آب نوشیده‌ایم و با آنان زندگی کرده‌ام، درحالی که همگی خدای واحد را عبادت می‌کنیم. در گفتار و کردار مسلمانان سفید پوست همان صمیمیت و اخلاص را مشاهده کردم که در میان مسلمانان سیاه نیجریه، سودان و غنا، که قبلاً با آن برخورد کرده بودم؛ همگی با هم برادرند، زیرا اعتقاد به یگانگی خدا احساس سفید بودن را از فکر و رفتار و گفتارشان زدوده است. من به این حقیقت دست یافته‌ام که اگر آمریکاییهای سفید پوست به یگانگی خدا ایمان راسخ داشتند، واقعیت یکی بودن انسانها را می‌پذیرفتند و از سرکوب و آزار غیر سفید پوستها تنها به دلیل اختلاف در رنگ دست می‌کشیدند...».

یقیناً از طریق «اسلام» مرگ عقاید و تعصبات نژادپرستی در طول تاریخ اعتقادات انسانها فرا خواهد رسید.